

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۷، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۱-۷۱

سازمان‌دهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول

سیاوش قلی‌پور^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

این مقاله تلاش می‌کند سازمان‌دهی فضایی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول را توضیح دهد. رویکرد نظری آن مبتنی بر آراء هنری لوفبور درباره «تولید فضا» است. از نظر وی فضا به مثابه ظرف خالی نیست که توسط اشیاء پر شود، واقعیت مادی مستقل و «خود بنیاد» و یا یک واقعیت آغازین معرفت‌شناسی نیست بلکه «تولیدی اجتماعی است». سه بعد بازنمایی فضا (فضای مفهوم‌سازی و برنامه‌ریزی)، فضای بازنمایی (فضا به مثابه امر مستقیماً زیست‌شده از طریق ایماژها و نمادهای مرتبط به آن)، عمل فضایی (رفتار افراد در مسیرها، فضاها و رهوارهای شهری) به شیوه‌ای دیالکتیکی در تولید فضای شهری نقش دارند. روش مطالعه کیفی و فن گردآوری داده‌ها بررسی اسناد و مشاهده است. یافته‌ها نشان می‌دهند مدرنیزاسیون، صنعتی شدن، اسکان عشایر و خدمت‌سربازی اجباری همراه با اقدامات عمرانی در شهر سبب رشد آن به سوی جنوب شد. سازمان‌دهی فضایی کرمانشاه در نتیجه سه روند است: ۱. طراحان و برنامه‌ریزان متأثر از ایده‌های «زیبا شهر» هاوسمان بافت‌های متراکم محلات را پاره‌پاره و عناصری مانند خیابان، میدان، رستوران و سینما را در شهر جای دادند، ۲. فضای اجتماعی شهر تحت تأثیر ایده‌های جدید و در نتیجه تجربه زیسته افراد در زندگی روزمره به دو بخش سنتی (محلات شهر قدیمی) و مدرن (بخش تازه توسعه‌یافته) تفکیک شد و ۳. پرسه‌زنی و حضور در فضاها، عمومی روابط اجتماعی را افزایش و شهر را به یک مکان انسان‌شناسی تبدیل کرد.

کلید واژگان: بازنمایی فضا، زیباشهر، سازمان‌دهی فضایی، شیوه تولید، عمل فضایی، عمل فضایی.

مقدمه و بیان مسئله

سازمان‌دهی فضاهای شهری دارای سازوکار پیچیده‌ای است. برنامه‌ریزی، سیاست، اقتصاد، بافت اجتماعی فرهنگی، نیروهای خارجی و نقاط عطف تاریخی جملگی بر آن تأثیرگذارند. فضای شهری جایی است که نقش نیروهای اجتماعی و اندیشه‌ها بر آن حک می‌شود و می‌توان بر اساس آن به دینامیک این نیروها پی برد. نابرابری اجتماعی و یا تمایزات قومی فرهنگی با مکانیسم خاصی خود را بر فضای شهری منعکس می‌کنند. قاعده خاص و عامی برای این تأثیرگذاری وجود ندارد. هر شهری بنا به مقتضیات اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی و تاریخی خاص خود شکل فضایی پیدا می‌کند. تاریخ، خاطرات و فضای ذهنی از عاملان مؤثر در این متفاوت شدن هستند؛ بنابراین هر شهر سپهر اجتماعی متفاوتی دارد. کرمانشاه یکی از کلان‌شهرهای غرب ایران است که در دوره قاجار گره تجاری و یکی از دروازه‌های ورود مدرنیته به ایران بود (رابینو، ۱۳۹۱). کرمانشاه تحولات سیاسی متعددی نظیر دولت در تبعید و اعتراضات کارگران شرکت نفت را پشت سر گذاشته است. هر کدام از این موارد بر فضای شهری تأثیر گذاشته‌اند. نقاط عطف مهمی در تحولات فضای شهری و شهرنشینی در تاریخ کرمانشاه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تغییر بنیادین مرفولوژی شهر در دوره رضاخان و ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی اشاره کرد. مورد اخیر بسیار مورد توجه بوده و در آثار متعددی بدان پرداخته شده است (تدبیر شهر، ۱۳۸۲؛ قلی‌پور، ۱۳۹۴؛ ایران‌دوست، ۱۳۸۶) اما مورد اول همچنان مغفول مانده و پژوهشی در این باره انجام نشده است. اقدامات رضاخانی بیشترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند. با تغییر حکومت این شهر در مقیاس اندکی صنعتی شدن را تجربه کرد. اطراف آن طوایف و عشایر زیادی حضور داشتند، بنابراین سیاست یکجانشین کردن عشایر تأثیر زیادی بر حجم جمعیت و تغییرات فضایی آن داشت. فرآیندهای مدرنیزاسیون به ویژه گسترش راه‌ها و نظام بوروکراسی نیز چنین بوده است. تمام این روندها با مداخلات در کالبد و سپهر اجتماعی شهر همراه بوده است. با تأمل می‌توان رد این روندها را پیگیری و مداخلات حکومت‌ها و مردم را در فضای شهری مشاهده کرد. در این دوره برخی نوآوری‌های فناورانه و همه‌گیری نظام سرمایه‌داری تغییرات مضاعفی را در شهر به وجود آورد. با ورود اتومبیل خیابان جایگزین کوچه‌های پرپیچ‌وخم شد. برای فروش کالاهای نظام سرمایه‌داری فضاهایی جهت فروش ایجاد شدند. فضاهای دیگری به وجود آمدند که تا آن زمان بی‌سابقه بود و رفتارهای مردم را تحت تأثیر قرار دادند. فضا تابعی از شرایط اجتماعی و اقتصادی است و به محض تولید می‌تواند بر روابط اجتماعی تأثیرگذار باشد و کردارهای فضایی را جهت‌دهی کند.

این مقاله تلاش می‌کند سازمان‌دهی فضایی این شهر را در دوره رضاخان بررسی کند و تا حدودی سازوکار آن را روشن سازد. برای این کار سعی دارد در چهار بخش: ۱. زمینه‌های اقتصادی اجتماعی شکل‌گیری شهر ۲. برنامه‌ریزی و اندیشه‌های شهرسازی، ۳. فضای زیسته مردم در سپهر اجتماعی شهر و ۴. کردارهای فضایی؛ سازمان‌دهی فضایی آن را مورد پژوهش قرار دهد.

چهارچوب نظری

سازمان‌دهی فضایی شهر توسط پارادایم مختلفی مانند بوم‌شناسی شهر، مدیریت‌گرایی شهری و اقتصاد سیاسی بررسی شده است. در پارادایم اخیر آراء هنری لوفبور^۱ (۱۹۰۱-۱۹۹۱) در مورد «تولید فضا» مبنای نظری این مقاله است. لوفبور آثار گسترده‌ای در مورد شهر و شهرنشینی (حق بر شهر، ۱۹۶۸؛ انقلاب شهری، ۲۰۰۳؛ نوشته‌هایی درباره شهر، ۲۰۰۰) و فضا (۱۹۹۱، ۲۰۰۹) به جای گذاشته است. از نظر وی فضای (اجتماعی) یک محصول (اجتماعی) است. «هر جامعه‌ای در چهارچوب شیوه تولید مشخصی به وجود می‌آید و همراه با ویژگی‌های عجیب و غریب ذاتی این چهارچوب، فضای خودش را صورت می‌بخشد» (لوفبور، ۲۰۰۹: ۱۸۷) شیوه تولید پیشاسرمایه‌داری (جوامع اولیه بدون دولت، برده‌داری، فئودالیسم و تولید آسیایی) و سرمایه‌داری هرکدام فضاهای خاص خود را دارند. «یک شیوه تولید صرفاً در صورتی قوام می‌گیرد و شایسته این نام است که فضا (و زمان اجتماعی) مشخصی را به وجود آورد» (لوفبور، ۲۰۰۹: ۲۱۷). با وجود این تولید فضا صرفاً مبتنی بر شیوه تولید اقتصادی نیست بلکه کنشگران و معانی که آنان در زندگی روزمره به محیط خود می‌دهند نیز در این فرآیند نقش دارند. به همین دلیل لوفبور معنای گسترده‌ای از تولید و فضا را مد نظر دارد. تا قبل از وی دو تصور از فضا وجود داشت: فضای ذهنی و فیزیکی. «اولی در حیطه نظام‌های فکری و دومی طبیعت و ادراک حسی قرار داشت اما لوفبور مفهوم فضای اجتماعی را اضافه کرد که در ارتباط با نیروهای تولید است» (لوفبور ۱۹۹۱). وی از یک‌سویه‌نگری پرهیز کرد و سازندگان شهرها را صرفاً شهرسازان و برنامه‌ریزان تلقی نمی‌کند بلکه همسو با آنان نقش مردم عادی، متصرفان عُدوانی، زنان، کودکان، گروه‌های فرودست شهری و اعمال فضایی افراد را جدی ارزیابی می‌کند. تولید فضا به طور هم‌زمان حاصل دیالکتیک سه بُعد است که درهم‌تنیده‌اند و به مثابه شبکه‌ای از روابط هستند. «این دیالکتیک مبتنی بر سه لحظه با ارزش یکسان است که در قالب روابط گوناگون و حرکات پیچیده با هم مرتبط می‌شوند» (اشمید، ۱۳۹۳: ۷۵). سه بعد تأثیرگذار بر تولید فضا عبارت‌اند از بازنمایی فضا^۲، فضای بازنمایی^۳، عمل فضایی^۴. به این ترتیب فضا را به سه شیوه می‌نگریم، به مثابه امری درک‌شده، تصور شده و زیست‌شده.

جدول ۱: ابعاد سه‌گانه فضایی لوفبور

بازنمایی فضا	تصور شده	ذهنی	ایدئالیسم
فضای بازنمایی	زیست شده	اجتماعی	ماتریالیسم و ایدئالیسم
عمل فضایی	درک شده	فیزیکی	ماتریالیسم

منبع: الدین، ۱۳۹۳: ۷۷

¹ Lefebvre, H² representations of space³ representational spaces⁴ spacial practice

بعد نخست «همان فضای مفهوم‌سازی‌شده، فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان، شهرسازان، زیربخش‌های تکنوکراتیک و مهندسین اجتماعی به عنوان گونه خاصی از هنرمندان با یک تمایل علمی است» (لوفبور، ۱۹۹۱: ۳۸). این بعد ذهنی، اندیشیده‌شده و مبتنی بر بازنمایی است. «هر بازنمایی ایدئولوژیک است» (لوفبور، ۱۹۷۶: ۲۹) و نقشی کاربردی در حفظ منافع طبقاتی دارد بنابراین فضا صوری و خنثی نیست، در خلأ وجود ندارد بلکه سیاسی و دارای محتوی تاریخی است. برنامه‌ریزی آن را به مثابه ابژه‌ای علمی (عینی و ناب) مطرح می‌کند و آن را وسیله‌ای می‌داند «که می‌تواند برای فروش به سان کالا بازنمایی، همگن، تقسیم و برای منظورهای خاص بخش‌بندی و تفکیک کرد» (زیلینخ، ۲۰۰۷: ۸۱). برنامه‌ریزی، ذهنیتی عقلانی، از بالا همراه با رویکردی علمی و فنی است و به سلطه و نگاه یکسان‌ساز کمک می‌کند. چگونگی بازنمایی فضا پیامدهایی برای چگونگی استفاده از آن دارد. برنامه‌ریزی برای کنترل و سلطه گروهی بر گروه دیگر از طریق محدود کردن تماس و کنش‌های اجتماعی و یا از طریق تفکیک و جداسازی نقش‌آفرینی می‌کند. «در نتیجه پتانسیل برای تعارض بر کنترل بازنمایی‌های فضا همان پتانسیل تضاد بین طبقات یا شکاف‌های اجتماعی است» (همان: ۸۴).

بعد دوم در تقابل با لحظه اول به فضای زیسته مردم مرتبط است. «ابداعاتی ذهنی رمزگان، نشانه‌ها، گفتمان‌های فضایی، برنامه‌های آرمان‌گرایانه، چشم‌اندازهای خیالی و حتی ساخت‌های مادی مانند فضاهای نمادین، محیط‌های ساخته‌شده خاص، نقاشی‌ها، موزه‌ها و نظایر آن هستند که معانی و امکان‌های جدیدی را برای اعمال فضایی تصور می‌کند» (هاروی، ۱۹۹۰: ۲۱۸-۲۱۹). در این بعد مردم تصمیم می‌گیرند که به مکانی حیات شهری ببخشند. آن‌ها از طریق زبان، نمادها و دوگانه‌های مختلفی مانند مقدس/غیر مقدس، آبرومند/بی‌آبرو، زشت/زیبا و نظایر آن سپهر اجتماعی شهر را می‌سازند. این بعد «فضا را به مثابه امری می‌بیند که در طول زمان و به واسطه استفاده، تولید شده و تغییر کرده است؛ فضایی آکنده از نمادگرایی و معنا، فضای دانش غیررسمی، فضا به سان امری واقعی و تصور شده» (الدن، ۱۳۹۳: ۷۷). کنشگران این عرصه تعداد بی‌شماری از افراد هستند که عامدانه و مبتنی بر تصمیم خاصی این کار را انجام نمی‌دهند. آن‌ها به جهان خویش معنا می‌بخشند و آن را به خانه و سکونت‌گاهی تبدیل می‌کنند که خاطرات را حفظ و از یکدیگر مراقبت می‌کنند. این بعد از سه‌گانه لوفبور تحت تأثیر اندیشه هایدگر (۱۳۷۷) در مقاله بنا کردن، سکنی گزیدن، اندیشیدن است. با اینکه فضای زیسته تحت تأثیر عقلانی‌سازی، اندازه‌گیری و مداخلات بعد اول است اما توانایی‌های زیادی برای به چالش کشیدن آن و استفاده‌های خلاقانه دارد. فضای بازنمایی فضای ساکنان و استفاده‌کنندگان است.

بعد سوم دربردارنده هم‌نشینی نزدیکی میان واقعیت شهری (راه‌ها و شبکه‌هایی که مجموعه مکان‌های جداشده از هم برای کار، زندگی خصوصی و اوقات فراغت را شکل می‌دهند) و واقعیت روزانه (روزمرگی) است. به بیان دیگر اعمال فضایی و زندگی روزمره از طرفی تحت تأثیر بعد عقلانی و همگن‌ساز بازنمایی فضا و از طرفی متأثر از خلاقیت‌های

توانمندی‌های زندگی روزمره هستند. فرآیندهای تفکیک و فضاهای مصرف تولیدشده از طریق برنامه‌ریزان ساکنان را از هم جدا و بیگانگی را حاکم می‌سازند. لوفبور (۱۹۷۱) در نقد زندگی روزمره نشان می‌دهد «ایدئولوژی مصرف از طریق استراتژی از مد افتادگی افراد را مجبور به مصرف و از طریق استراتژی خیال^۱ آن‌ها را با شرایط منطبق می‌سازد. این مکانیسم اعمال فضایی را در راستای بعد اول و سرکوب زندگی روزمره پیش می‌برد» (۱۹۷۱: ۷۲-۸۸). از نظر لوفبور «هیچ سیستم کنترلی هرگز نمی‌تواند مطلق و تام باشد» (مریفیلد، ۲۰۰۶: ۲۶). لحظه^۲ و کارناوال می‌توانند شرایط ملالت‌بار زندگی روزمره را به چالش بکشند. دوسرتو (۱۳۸۲) در مقاله قدم زدن در شهر خلاقیت کنشگران در این بعد را از طریق معناسازی و تاکتیک‌های مؤثر در نادیده گرفتن نظم شهرسازان بسط و گسترش داد.

سه‌گانه‌های لوفبور هم به جنبه فیزیکی (مکان‌ها، فرآیندهای انضمامی تولید و مصرف، نشانه‌ها، نمادها و تصاویر) و هم به تجارب زیسته (خلاقیت‌های انسانی، احساسات، افکار، تخیلات و نگرش‌ها) و هم کردارهای آن‌ها توجه دارند. این سه بعد تعیین‌کننده سازمان‌دهی فضای شهری هستند.

پرسش‌های پژوهش

۱. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رشد شهر کرمانشاه در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) چگونه است؟
۲. سازوکار تولید اجتماعی فضای شهری کرمانشاه در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) چگونه است؟

روش‌شناسی

لوفبور به لحاظ روش‌شناختی «نوعی از مشاهده توأم با مشارکت را بسط داد که علاوه بر جلسات طولانی در آرشیوهای تالار شهرداری (انجمن شهر)، او را به کشف اشتیاق شدیدی برای کاوش تاریخی رهنمون ساخت و در تمام آثارش دارای روش‌شناسی سه مرحله‌ای الف) توصیفی، ب) تحلیلی-بازنگرانه و ج) تاریخی تکوینی است» (مریفیلد، ۲۰۰۶: ۴). مرحله توصیف به موشکافانه تغییرات کالبدی شهر در دوره زمانی ۲۰ ساله می‌پردازد. این تغییرات از طریق نقشه شهر در سال ۱۲۹۸ و عکس هوایی در سال ۱۳۲۰ ممکن می‌شود.

مرحله تحلیل و بازنگری به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا این تغییرات رخ دادند؟ پاسخ به این پرسش به شکلی واقع‌بینانه و روشن با دوری از هرگونه ابهام از طریق استدلال قیاسی به جزءبینی دقیق از علل رخداد مسئله می‌رسد؛ پژوهشگر در این بخش با بررسی

^۱ make believe

^۲ moment

اسناد موجود به بررسی چرایی موضوع می‌پردازد. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که نقش مؤثری در تولید کالبد شهری دارند مطرح خواهند شد.

مرحله تاریخی تکوینی تلاش برای کشف مجدد شکل شهر در سال ۱۳۲۰ است اما به شیوه‌ای روشن‌شده، فهم‌شده و توضیح داده‌شده. پاسخ به این پرسش با مطالعه تغییرات وضعیت و تأثیرات، بر اساس سه‌گانه بازنمایی فضا، فضای بازنمایی عمل فضایی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

اغلب اسناد در کتب تاریخی، عکس‌ها، نقشه‌ها، گزارش‌ها ناظرین آمده است. کتب این دوره تمام اسناد رسمی، عکس، گزارش‌ها ناظرین و ... را جمع‌آوری کرده‌اند و بسیار شبیه کتابچه اسناد هستند. (سلطانی ۱۳۷۱، ۱۳۸۰؛ کلارک و کلارک، ۱۹۶۹). مشاهده ابزار دیگری است که به کمک آن می‌توان سازمان‌دهی فضایی شهر را توصیف و تبیین کرد. مشاهده بافت قدیمی شهر و تطبیق آن با اسناد به‌جامانده از دوره پهلوی اول شیوه مشاهده است. همچنین با ۳ نفر از افرادی که این دوره را به خوبی به یاد دارند مصاحبه عمیق صورت گرفته است.

در پژوهش حاضر روش پنج مرحله‌ای ذیل در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

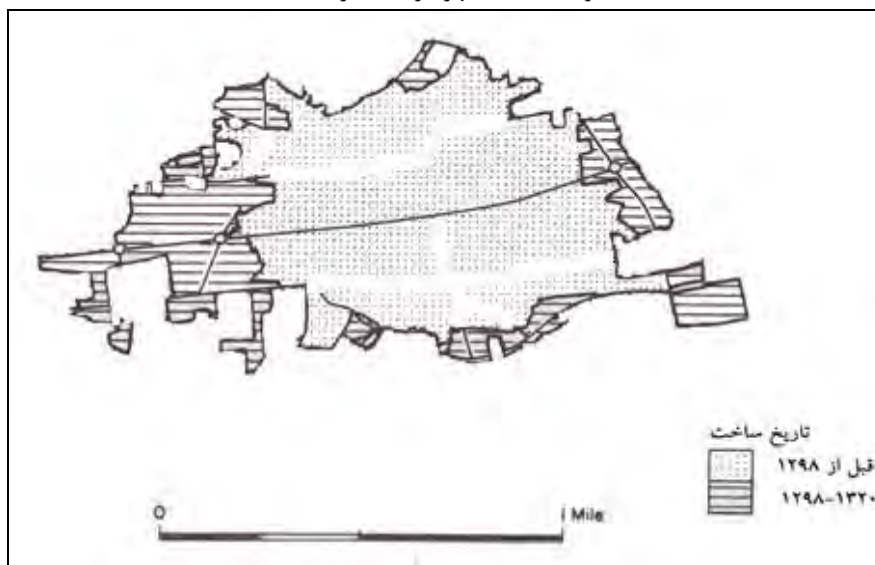
۱. سازمان‌دهی داده‌ها
۲. طبقه‌بندی داده‌ها، موضوع‌های اصلی و الگوها
۳. واری‌پرسش‌های پژوهشی با توجه به داده‌ها
۴. جستجو برای توجیه‌های مختلف این داده‌ها
۵. نوشتن و تهیه گزارش (مارشال، راسمن ۱۳۸۱: ۱۵۷)

رشد شهری و تغییرات کالبدی

جمعیت شهر کرمانشاه در دوره قاجار بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر در نوسان بود^۱. اما در انتهای دوره پهلوی اول به ۸۸۶۲۲ نفر افزایش یافت و ۲۸۶۲۲ نفر به جمعیت شهر اضافه شد که با خود رشد کالبدی را به همراه داشت. بر اساس نقشه شماره ۱ متوجه می‌شویم که در قسمت جنوبی شهر خانه‌ها به سمت دره آبشوران و در درون باغات بزرگ ساخته شدند. شهر از پارکینگ شهرداری فعلی تا میدان مصدق رشد کرد.

^۱ آمار دقیقی از جمعیت در این دوره در دسترس نیست. رابینو در سال ۱۲۸۱ جمعیت شهر را (۶۰۰۰۰)، گروه‌ته در سال ۱۲۸۶ جمعیت شهر را (۶۰۰۰۰) نفر و اوبن در سال ۱۲۸۶ جمعیت شهر را (۵۰۰۰۰) نفر ذکر کرده‌اند.

نقشه ۱: تغییرات کالبدی شهر کرمانشاه از ۱۲۹۸ تا ۱۳۴۴



منبع: کلارک و کلارک، ۱۹۶۹

در قسمت شرق و غرب توسعه شهری اندکی مشاهده می‌شود. در شمال میدانی بنا شد و تأسیسات زیادی اطراف آن پا گرفت که بیشتر گاراژ، قهوه‌خانه و مکانیکی بودند. در شمال شرقی شهر سیلوی غلات احداث شده است. این سیلو بیرون از شهر در قسمت شمال کمربندی قرار داشت. شهر توسط یک خیابان شمالی-جنوبی بنام سپه (مدرس فعلی) به دو بخش تقسیم شد. دو میدان شهرداری و مصدق نیز در امتداد این خیابان احداث شدند که هر دو در درون بافت تازه توسعه‌یافته قرار داشتند. در بخش شرقی شهر در قسمت جنوبی خیابان پهلوی در حال آماده‌سازی بود. دیوارها و برج و باروهای شهر کهن برداشته شده و ظاهراً برای خیابان‌کشی آماده‌سازی شد.

دلایل رشد شهر

شهر فعلی کرمانشاه در دوره قاجار پا گرفت. جابه‌جایی گمرک از همدان به کرمانشاه در اوایل دوره قاجار و تبدیل شدن آن به یک گره تجاری در مسیر تجاری اروپا، کانال سوئز، بغداد و فلات ایران در رشد و توسعه آن نقش داشت (رابینو، ۱۳۹۳). این ویژگی تا هنگام احداث راه‌آهن ادامه داشت و بخشی از رشد مربوط به آن است. افزون بر این مازاد محصولات کشاورزی و قرار گرفتن کرمانشاه در مسیر عتبات و عبور رُوار از این مسیر نیز در رونق آن تأثیر داشته است (بنگرید به ابادری و قلی‌پور، ۱۳۹۱). دو مورد بالا در دوره قاجار نقش محوری در رشد شهر داشتند و تا دهه‌های بعد نیز مؤثر بودند اما به تدریج با احداث راه‌آهن و شروع جنگ تحمیلی بی‌اهمیت شدند. اما بخشی از رشد شهر به خود این دوره

مربوط است که در نتیجه تغییر حکومت به وجود آمد. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. روابط سرمایه‌داری در لوای مدرنیزاسیون بسط و گسترش یافت. «دولت رضاشاه با شعارهای رهایی از هرج‌ومرج، برقراری امنیت و توسعه اقتصادی و با حمایت طبقات مسلط جامعه شامل مالکان اراضی و تجار سوداگر نمونه‌ای از دولت‌های مرحله گذار به سرمایه‌داری در کشورهای توسعه‌نیافته است» (حسامیان، ۱۳۷۷: ۲۵). دولت حجم سرمایه‌گذاری خود را از ۸/۳ میلیارد در سال ۱۳۰۵ به بیش از دو برابر یعنی ۱۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۱۷ افزایش داد.

«طول راه‌های کشور در یک دوره ۱۵ ساله ده برابر شد و از ۲۴۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۰۵ به بیش از ۲۴۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۲۰ رسید و مجموع وسایل نقلیه از ۱۲۰۰ در سال ۱۳۰۰ به ۳۱۰۰۰ در سال ۱۳۲۴ رسید. راه‌آهن دولتی ایران با هزینه ۳۰ میلیون پوند و از محل مالیات‌های دولتی در این دوره ساخته شد. ارتباطاتی از قبیل پست، تلگراف و تلفن در این دوره به وجود آمد. ولی رشد آن در این دوره دامنه محدودی داشت» (سوداگر، ۱۳۶۹: ۲۷۱).

در حوزه راه‌های مواصلاتی به غیر از جاده تهران-بغداد، جاده کرمانشاه-سنندج نیز مورد استفاده قرار گرفت. همچنین جاده خرم‌آباد-کرمانشاه و پاوه-کرمانشاه احداث شدند. علاوه بر این برخی راه‌های فرعی که محصولات روستایی را به شهر می‌رساند احداث و یا مرمت شدند. از طریق این جاده‌ها مراکز شهری کوچک‌تر به هم وصل شدند و روستاهای مهم‌تر با جاده‌های اصلی مرتبط گشتند. جاده‌های تغذیه‌کننده^۱ دسترسی مراکز کوچک‌تر را بهبود بخشیدند و آن‌ها را قادر می‌ساختند که کالاهایشان را آسان‌تر از قبل تجارت کنند. طبیعت تحت تأثیر راه‌سازی و مداخلات مواصلاتی تغییر کرد (گرچه مقیاس آن کم بود) و تماس کرمانشاه با اطراف خویش راحت‌تر شد به نحوی که شهر قادر بود اطراف خود را نسبت به گذشته راحت‌تر کنترل کند. مناطق شهری به راحتی می‌توانستند کالاهای خود را مبادله و جابه‌جا سازند. این مهم همچنین بستری را برای ورود آسان‌تر کالاهای خارجی به بازار ایران ممکن ساخت و شرایط امکان جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر را آسان‌تر کرد.

۲. صنعتی شدن در این دوره دامنه محدودی داشت و به صنایع اولیه‌ای از قبیل نساجی، مواد غذایی نظیر قند و صنایع زیرساختی نظیر سیمان، آجر و مصالح ساختمانی محدود بود (همان: ۴۸). سال ۱۳۱۰ در کرمانشاه پالایشگاه نفت (مشهور به کمپانی) تأسیس شد و افراد زیادی از طوایف کرد و لک استخدام شدند. آمار دقیقی از کارمندان و کارگرانی که در این سال‌ها مشغول کار بودند وجود ندارد. «اما در اعتصاب کارگران و رانندگان [این دو رسته بیشتر بومی بودند] در سال ۱۳۲۴ حدود ۷۴۰ نفر شرکت کردند»

^۱Feeder

(خسروپناه، ۱۳۹۱: ۴۲). آن‌ها پس از استخدام در این شرکت همچنان در کرمانشاه سکونت گزیدند و برای همیشه ماندگار شدند و در توسعه شهرنشینی به سمت جنوب نقش داشته باشد.

۳. «سیاست رضاخان برای سرکوب و اسکان قبایل و در نتیجه آن استحاله زندگی، تأثیر زیادی بر رشد شهر داشت» (کلارک و کلارک، ۱۳۹۵: ۴۸). با «تخته قابو کردن» آن‌ها، تعدادی از فرزندانشان برای تحصیل به شهر کرمانشاه آمدند و پس از آشنایی با زندگی شهرنشینی و پیدا کردن کار ماندگار شدند و به محل تولد خود برگشتند.

۴. قانون سربازی اجباری برای جوانان پسر که در سال ۱۳۰۴ اجرا شد بسیاری از جوانان ایلات عشایر و روستاها را با زندگی شهری آشنا کرد. «این قانون دارای تأثیر مشابهی بود و مردان جوان را با زندگی شهری، متمدن شدن مکانیکی و برخی آموزش‌های مدرن آشنا کرد» (همان). این قانون از دو طریق بر شهرنشینی و یا توسعه کالبدی شهر تأثیر گذاشت. اول با تأسیس سربازخانه‌های متعددی که در توسعه فضای شهر نقش داشتند و دوم اینکه تعدادی از فرزندان روستایی آشناسده با فرهنگ شهری به احتمال زیاد به روستا بازمی‌گشتند و زندگی خود را در شهر ادامه می‌دادند.

۵. اغلب اقدامات عمرانی و خدماتی رضاخان در راستای توسعه شهر بودند. برای مثال «علاوه بر مدارس ابتدایی، چهار دبیرستان پسرانه شاپور، اعظمی، حسینی و داریوش و سه دبیرستان دخترانه شاهدخت، پوراندخت و اتحاد و یک دبیرستان نظامی در شهر تأسیس شد» (سلطانی، ۱۳۷۲: ۳۲۵). دو بیمارستان شیر و خورشید و میسیون آمریکایی با امکانات خیلی اندک تأسیس شدند. «در چهارراه اجاق فعلی نیز موتوربرق ۱۱۰ دولتی چراغ‌های خیابان تازه تأسیس سپه (مدرس فعلی) و برق بعضی ثروتمندان را تأمین می‌کرد» (همان: ۵۵۰)؛ اما اقدامی در زمینه فاضلاب کشی، آب آشامیدنی و یا نوسازی محله‌ها صورت نگرفت.

اشتغال در کرمانشاه به نسبت روستاها بیشتر شد. شکل‌گیری نهادهای بوروکراتیک و صنایع در این حوزه نقش مؤثری داشتند. کرمانشاه با گسترش بازارهای مصرف به مکانی برای حضور کالاهای خارجی و نقطه تماس دنیای سرمایه‌داری تبدیل شد. در تمام این مدت روستاها از جریان تغییر به دور بودند و همچنان شیوه تولید شبه فئودالی ادامه داشت. «شهر در این دوره به صورت مکان تحقق مدرنیزاسیون^۱ و روستا به صورت مکان ابقای شیوه‌های کهن تولید ظاهر گردید» (حسامیان، ۱۳۷۷: ۴۱). مجموعه این تحولات سبب افزایش ۲۸۶۲۲ نفر به جمعیت شهر و تغییراتی کالبدی در آن شد و سازمان‌دهی فضایی شهر را تغییر دادند.

^۱ منظور از مدرنیزاسیون به تمامی فعالیت‌های راه‌سازی (جاده و خیابان)، خدمات عمومی (امکانات آموزشی، بهداشتی و ...)، صنایع مدرن (مانند پالایشگاه، کارخانه قند و برخی صنایع کوچک) و ادارات اطلاق می‌شود.

سازمان دهی فضایی شهر

بازنمایی فضا/ «زیباشهر»^۱ هاوسمان

تا قبل از دوره رضاخان، رشد شهر طبیعی بود و اندیشه‌های علمی و کارگزاران طراح، مهندس و تکنوکرات‌ها نقشی در شکل‌گیری آن نداشتند. تأثیر ایده‌های الهیاتی (کیهان‌شناسی اسلامی) بر آن آشکار بود (اباذری و قلی‌پور، ۱۳۹۱)؛ اما در این دوره مداخلات از بالا و مبتنی بر طرح و نقشه و محاسبات عقلانی در کالبد شهر فزونی یافت و عناصر نوینی نظیر خیابان، میدان، مغازه‌های ویتترین‌دار و نهادهای اداری در ساختار آن‌ها جای داده شد. مداخله‌گران به کمک احداث خیابان تلاش کردند بافت‌های کهن را به اسم تمدن تخریب نمایند. «قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها» در سال ۱۳۱۲ هجری-شمسی دسترسی به درون بافت‌های کهن را ممکن ساخت.

«در سال ۱۳۰۷ بلدیه اعلام کرد مغازه‌داران درب‌ها و پنجره‌های دکان‌های خود را با نوع شیشه‌ای آن جایگزین کنند. در همان سال، نخستین قوانین نماسازی در خیابان‌های تعریض‌شده را اعلام کرد. طبق این مقررات، ارتفاع دیوار حداکثر ۳ متر، بنای یک طبقه ۳ متر و دو طبقه ۸/۵ متر. تثبیت و نوع مصالح نماسازی، آجر تراش یا قزاقی با ازاره پاسنگ تعیین گشت. طبق مهم‌ترین سلسله مقررات نماسازی در سال ۱۳۱۱، احداث بنا در جبهه معابر عمومی، بدون کسب جواز کتبی از بلدیه ممنوع اعلام شد. مالکین موظف گردیدند نمای ساختمان را به وسیله معمار نقشه‌کش در دو ورقه ترسیم و به بلدیه ارائه کنند تا با تطبیق با نقشه مصوب، جواز آن صادر گردد. در این مقررات، احداث بنای خشتی، چینه‌ای و گاه‌گلی با ممنوعیت مواجه شد» (صفامنش، ۱۳۷۸: ۲۵۶).

در سال ۱۳۱۴ در بخش مرکزی شهر کرمانشاه یک خیابان شمالی-جنوبی ساخته شد که از دروازه گاری‌خانه در شمال تا منتهی‌الیه جنوب شهر (تا باغات سراب) امتداد یافت و بافت قاجاری را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد (نقشه شماره ۱). این خیابان دارای سه میدان بود که به ترتیب از سمت جنوب عبارت بودند از شاه (کاشانی فعلی)، سپه (جهاد فعلی) و شاهپور (آزادی فعلی). فاصله میان میدان فردوسی و شاه (کاشانی فعلی) را خیابان فردوسی، فاصله میان میدان شاه (کاشانی فعلی) و میدان سپه (جهاد فعلی) را خیابان شاه (کاشانی فعلی) و فاصله میان میدان سپه (جهاد فعلی) و شاهپور (آزادی فعلی) را سپه (مدرس) می‌نامیدند. خیابان مرکزی در محل میدان شاهپور (آزادی فعلی) با کمربندی اطراف شهر تلاقی و آن را به بخش غربی و شرقی تقسیم کرد. تفکیک و جداسازی نوعی مداخله از بالا بود که مردم بدان نیازی نداشتند و آن‌ها را از بودن در کنار هم جدا

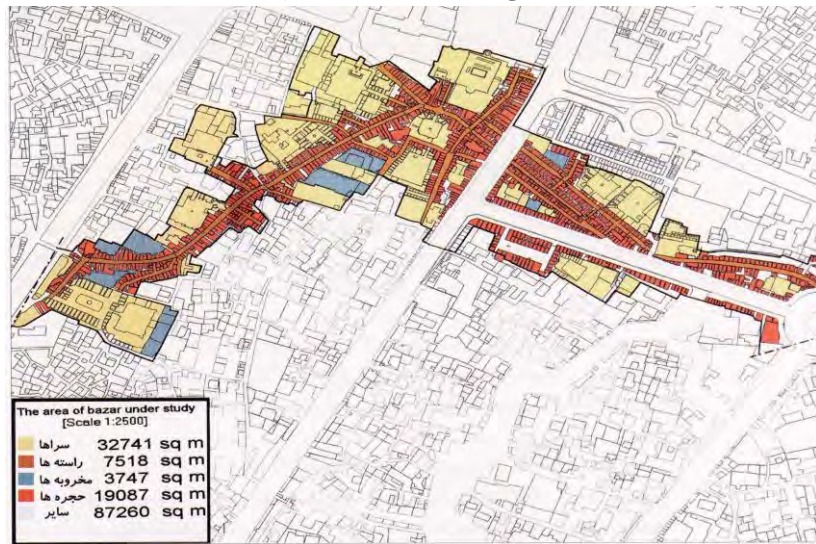
^۱ city beautiful

می‌ساخت. افزون بر این در همین مسیر نرسیده به بازار سنتی، میدان قدیمی شهر (سبزه‌میدان) قرار داشت که در دوره قاجار محل تجمعات عمومی بود و مردم از هر قشری در اعیاد و مراسم مذهبی حضور و با هم بودن را تجربه می‌کردند. با احداث خیابان این عنصر شهر قدیمی برای همیشه از بین رفت.

به موازات همین خیابان (سراسری) در قسمت جنوبی شهر خیابان پهلوی (شریعتی فعلی) در حال آماده‌سازی بود و تا وسط‌های شهر کشیده شد اما در این قسمت متوقف شد و در دهه‌های بعد از درون محله‌های فیض‌آباد و برزه دماغ عبور کرد و خود را به کمربندی شمال شهر متصل شد. در همین سال «بلدیه با صرف اعتباری به مبلغ یک میلیون ریال کوچه باغ منتهی به دروازه سراب را از دو طرف وسعت داد و خیابان رفعتیه را از سواره پرورشگاه به سواره [چراغ] برق امتداد داد. برای رفاه عمومی ۱۰۰ درشکه در این خیابان به کار گرفته شد» (سلطانی، ۱۳۷۳: ۵۵۴). خیابان اخیر چلیپایی بود و بافت محله را تکه‌تکه نمود. خیابان سراسری، بافت جدید، مغازه‌های جدید، گذرهای جدید و ویرانی گذرهای سابق را به همراه داشت. همچنین بازار سنتی را دو شقه کرد (نقشه شماره ۲) به گونه‌ای که «بازار هر چه بیشتر در انزوا فرو رفت تا آنجا که مدرس (سپه) به عنوان یک محور ترقی و اصلی‌ترین خیابان در بافت قدیم مورد بهره‌برداری قرار بگیرد» (زهره‌وندی، ۱۳۸۶: ۸۱).

خیابان همراه با مغازه‌های لوکس، ویتترین دار و متحدالشکل سپه (مدرس) کاربری تجاری پیدا کرد و به عنوان مکانی مدرن در برابر بازار سنتی کرمانشاه قد علم کرد. «از این زمان به بعد خیابان مدرس با ایجاد دهنه‌های تجاری دو طبقه و جداره‌سازی‌های شهری زیبا به یکی از اصلی‌ترین محورهای ساختار بافت تبدیل گردید» (معبدی، ۱۳۸۴: ۴۹). شهر با خواست گردش سرمایه و کالا هماهنگ شد. فضاهایی برای به نمایش درآمدن کالاهای لوکس و خارجی احداث شدند. کالاهای غربی به فراوانی در این مغازه‌ها پیدا می‌شدند و رقیبی برای کالاها و تولیدات بومی پیدا شد. بازار سنتی کم رونق شد به گونه‌ای که بسیاری از فضاهای آن همان‌طور که در نقشه شماره ۲ مشخص است بی‌مصرف و متروکه شد و تنها بخش‌هایی از آن به حیات خود ادامه داد. البته همین بخش‌های باقی‌مانده کاربری و عملکردهای خود را تا حدود زیادی تغییر دادند.

نقشه ۲: بازار قدیمی که توسط سه خیابان از هم جدا شده است



منبع: مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۷۷

خیابان شبکه اجتماعی محلاتی نظیر جلوخان، علافخانه و برزه دماغ را از بین برد و یا حداقل اینکه ارتباط طبیعی و همبستگی اجتماعی آن‌ها را دچار مشکل ساخت. این محلات را در برخی نقاط به تکه‌های شهری کوچک‌تری تبدیل کرد و موانعی برای تماس اجتماعی به وجود آورد. مداخله در فضا محدود به بافت کهن نشد. توسعه شهر به سمت جنوب با منطق جدیدی خاصی صورت گرفت که محاسبات ریاضیاتی و نظم عقلانی آن آشکار و دسترسی، نظم و کنترل مهم‌ترین ویژگی آن بود. از این به بعد ساخت‌وسازهای محلات مسکونی شهری می‌باید به گونه‌ای می‌بود که این هدف را محقق می‌ساخت. بدین روی ساخت‌وساز در قسمت جنوبی دارای این ویژگی بود. در این ناحیه کوچه‌ها کاملاً هندسی و شطرنجی بودند تا بتوان برای کنترل و نظارت بیشترین کارایی را داشته باشند. میدان‌های شهری نیز در همین راستا ساخته شدند. برخلاف میدان‌های قرن ۱۳ که محل تجمعات انسانی در روزهای خاص، اعیاد و مواردی از این قبیل بود این بار میدان کارکرد دیگری پیدا کرد، آن را یک گره ارتباطی و یک تقاطع می‌دانستند تا بتواند دسترسی را راحت‌تر و یا خیابانی را به خیابان‌های دیگر متصل سازد.

در حوزه حمل‌ونقل شهری از سال ۱۳۰۴ به بعد کم‌کم نظام‌های قدیمی حمل‌ونقل و کاروانسراها متروک و کامیون را جایگزین آن ساختند. «بلدیه کرمانشاه با توجه به خواست اهالی در سال ۱۳۰۷ نقشه خیابان گاراژ را تصویب و مالکان اراضی را وادار نمود با ایجاد گاراژ و مستغلات در دو طرف خیابان‌های احداثی در جهت توسعه شهر سرمایه‌گذاری می‌کنند ... [به مرور زمان] گاراژهای بین‌النهرین، میلارد، گوران، صیرفی، افشار، مکر، محمودی، اصفهان، تهران و هتل‌هایی همچون بزرگ، جهان، کنتیننتال و چند مسافرخانه و رستوران در امتداد خیابان گاراژ ساخته شد» (سلطانی، ۱۳۷۴: ۵۵۲). متناسب با این

تغییرات فضاهای فراغتی و تفریحی جدیدی شکل گرفت که کاملاً متفاوت بودند. در اطراف همین خیابان سینما فروهر (۱۳۱۰)، سینما باربد (۱۳۱۳) و سینما هما (۱۳۲۰) تأسیس شدند. کم‌کم «سایر عملکردهای نوین شهری مثل پاسگاه و پلیس و استانداری و شهرداری و ادارات دولتی [دیوانسالاری] در طول این خیابان تا میدان فردوسی فعلی مکان‌یابی و ساخته شدند» (معبدی، ۱۳۸۴: ۵۰).

این نوع مداخله در فضا خودجوش نبود، به شیوه قهری و از بالا در کالبد شهر اعمال شد. دست‌اندازی به محله‌های قدیمی از طریق خیابان و احداث میدان و فضاهای عمومی ویژگی‌های بارز آن بود. این تغییرات از میان رویکردهای برنامه‌ریزی شهری به ایده‌های «زیباشهر» بارون هاوسمان^۱ نزدیک‌تر بودند. در طرح هاوسمان «خیابان‌ها به فضاهایی تبدیل شدند که هم نقطه شروع بودند و هم محل اجتماع. در مغازه‌ها، رستوران‌ها و کافه‌های واقع در پیاده‌روها که به موازات خیابان‌ها امتداد می‌یافتند، گروه‌های مختلفی از مردم دور هم جمع می‌شدند تا در رابطه با تجارب شهری نوین به تبادل نظر بپردازند» (استیونسون، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

گرچه طرح هاوسمان با قدرت ارتباط داشت و در مدت زمان کوتاهی اجرا شد اما تغییرات کالبدی کرمانشاه در راستای تقلید از شهرهای اروپایی و با نام مدرنیزاسیون انجام شد و عامل و بانی تحمیل ایده‌های مدرنیستی دولت بود. دولتی که تلاش داشت به هر نحوی که ممکن است این ایده را عملیاتی سازد. اینجاست که این ایده‌ها هرگز صورت محتوایی پیدا نکردند و ارتباطی طبیعی با بخش قدیمی شهر پیدا نکردند و در جای‌جای شهر گسیختگی و بی‌شکلی‌های متعددی به وجود آوردند. خیابان سراسری شهر چون پرده‌ای بود که فضای پشت آن را پنهان می‌ساخت. حتی تلاش نمی‌کرد که در آن محوطه دخالت کند. «شهر در محدوده خیابان‌ها چهره‌ای نورانی عرضه می‌دارد. چهره‌ای بی‌هیچ ارتباط منطقی و جدلی با سازمان کالبدی-فضایی که در پس خود دارد. شهر نقابی از تجدد را بر چهره می‌زند. شهر-تقلید، شهر-مقلد تولد یافته است» (حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). خیابان نماد مدرنیته، خوش‌ساخت و محل دادوستد کالاهای خارجی بود؛ اما در پس پشت این خیابان همچنان کوچه‌های قدیمی و بسیار پُرپیچ شهر قدیمی قرار داشت و از آن روز تاکنون روز به روز دچار افت کیفیت شده و هیچ‌گونه تلاشی جهت مرمت و بهسازی آن‌ها صورت نگرفته است.

یکی دیگر از تضادهای مهم این دوره دودستگی زنان در مواجهه با کشف حجاب بود. دسته اول کسانی بودند که به این قانون اعتقادی نداشتند و خانه‌نشینی را اختیار کردند و دسته دوم کشف حجاب کردند و کلاه و پالتو بارانی پوشیدند. زنان محله ارمنی‌ها عمدتاً در دسته دوم بودند. «با توجه به اینکه ارمنی‌ها پوشش آن‌چنانی نداشتند، زنانشان سربرهنه بودند و هنوز هم کشف حجاب جا نیفتاده بود، همین مسئله جذبه‌ای برای ورود جوانان به حاشیه همین محلات جدید ایجاد می‌کرد» (امیری، ۱۳۸۷: ۶۱). تا پیش از این قانون

^۱.Hausmann

بی‌حجابی برای شهر کرمانشاه امری بی‌معنی بود. محله ارمنی‌ها حرف‌و‌حدیث‌های زیادی را در فضای شهری به وجود آورد.

فضای بازنمایی، شکل‌گیری گفتمان فضایی سنتی/مدرن

با این تغییرات فضای اجتماعی نیز تغییر کرد. مردم در زندگی روزمره خارج از حیطة تأثیرگذاری طراحان و برنامه‌ریزان در درون فضاهای جدید معنا سازی کردند. نمی‌توان تصور کرد که افراد پذیرندگان منفعل این فضاها هستند. به بیان دیگر کالبد نمی‌تواند صد درصد رفتار را تعیین کنند. «فضا و رفتار بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند» (فوکو، ۱۳۸۴). مردم از طریق خلاقیت‌های زندگی روزمره و نمادپردازی‌های خاص آن و همچنین تمایزات و تقابل‌های اجتماعی نظیر سنتی/مدرن، فقیر/غنی و دولتی/غیردولتی فضای اجتماعی شهر را ساختند. شکل‌گیری این تقابل‌ها از هیچ قانون وحدت‌بخشی تبعیت نمی‌کند و یادآور عناصر ذهنی و نمادینی هستند که ریشه در خلاقیت‌های زندگی روزمره دارند. تقابل و تمایزی در حال شکل‌گیری بود که کاملاً متفاوت با تمایزات محله‌ای (برزه دماغ، چنانی، فیض‌آباد، علافخانه، توپخانه) دوره قاجار بود. نه اینکه تمایزات گذشته از بین رفت بلکه صورت‌بندی دیگری پیدا کرد. قضیه از این قرار بود که با توسعه شهر به سمت جنوب طیف خاصی از افراد جذب این بخش از شهر شدند که چشم‌انداز مناسبی داشت و در دره آبشوران مناظر شهری زیبایی را عرضه می‌نمود. کنسولگری انگلستان و کنسولگری روسیه در قسمت جنوبی قرار داشتند و هر دو نمادهای غرب محسوب می‌شدند. «کسانی که بیشتر با سیاست‌های حکومت وقت همراهی داشتند در جنوب شهر ساکن شدند. آن‌ها اغلب کارمندان دولت، نظامیان و کارگران شرکت نفت و برخی از تحصیل‌کردگان بودند که در ادارات جدید کار می‌کردند. خلاصه بالاتر از چهارراه اجاق جای دولتمندا (ثروتمندان) بود» (ذاکری، ۸۰ ساله).

تمام این تغییرات در آن زمان ساختار فضایی پیدا کرد و تخیلات و آرمان‌گرایی گفتمانی درباره فضا را شکل دادند که از دل زندگی روزمره برخاسته بود. گفتمانی مبتنی بر تقابل میان سنت/فقیر و مدرنیته/غنی در بخش‌های شمال و جنوبی شهر که از رسوبات تاریخی و عناصر آرمانی برآمده بود و سعی داشت سمت‌وسوی جدیدی به زندگی شهری آن دوره ببخشد. چنین تقابلی منطبق بر بعد فیزیکی بود. بخش سنتی که خود در عهد قاجار تفکیک یافته و مبتنی بر تمایزات محله‌ای بود، این بار یکپارچه شده و به عنوان فضای سنتی در برابر فضای جدید (بخش توسعه‌یافته جنوب شهر) قرار گرفت. «فضای اجتماعی ایستا نیست و با روابط اجتماعی متغیر به وجود می‌آید» (مسی، ۱۹۹۴: ۳).

این تقابل وارد زبان شد و در ادبیات این دوره نیز نمایان گشت. سه رمان بلند و مشهور شوهر آهو خانم و شادکامان دره قره‌سو نوشته علی‌محمد افغانی (۱۳۹۰، ۱۳۴۵) و جلد اول سال‌های ابری نوشته علی‌اشرف درویشیان (۱۳۷۰) فضای اجتماعی شهر کرمانشاه را در این دوره ۱۳۰۴-۱۳۲۰ بازنمایی می‌کنند. سید میران شخصیت اصلی شوهر آهو خانم

فردی ثروتمند و رئیس صنف خبازان شهر است که در جنوب شهر کوچه علی‌خان لر (بالا تر از چهارراه اجاق و قسمت جنوبی شهر) زندگی می‌کند. وی موافق برنامه‌های دولت وقت است و یکی از همسرانش کشف حجاب کرده است. در این رمان بارها سیدمیران به محله‌های فرودست در پایین‌شهر مراجعه می‌کند. توصیف نویسنده از این محله‌ها (فیض‌آباد، چنانی و ...) در مقابل محله‌های تازه ساخته‌شده جنوب شهر بیانگر تفاوت کیفیت خانه و مسکن در این دو بخش از شهر است. حضور افراد در خیابان تازه تأسیس برای خرید، تفریح و رفت‌وآمد و یا حتی پرسه‌زنی به فراوانی بیان شده است. رمان *شادکامان* دره قرسو نیز این دوگانگی را به اوج می‌رساند. روایت اصلی داستان درباره عشق بین دختری از طبقه بالای شهر و پسری از طبقه کارگر است. سروناز در محله رفعتیه در یک عمارت بزرگ زندگی می‌کند. تمام رفت‌وآمدهای سروناز در جنوب شهر یا همان بخش توسعه‌یافته جدید است. او یک‌بار تصمیم می‌گیرد همراه مستخدم خانه به محل زندگی معشوق خویش در شمال شهر برود و برای اولین بار با نابرابری عمیقی در شهر مواجه می‌شود. خانواده‌هایی را در محله‌های فرودست می‌بیند که تمام اسباب و اثاثیه منزل آن‌ها توسط یک باربر جابه‌جا می‌شود. افرادی که در خانه‌های نمور در فلاکت با بیماری و فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند. رمان آخر *سال‌های ابری* است که در بطن آن این دوگانگی آشکار است. با این‌که بیشتر رمان درباره زندگی مصیبت‌بار تهیدستان شهری است، اما گاه‌گاهی توصیفی از زندگی جنوب ثروتمند ارائه می‌دهد که در خانه‌های بزرگ و مجلل ساکن‌اند. آن‌ها یا تاجرند یا افرادی که به حکومت وقت وابسته‌اند. توصیف پربرابر نویسنده از مسکن شهری در محلات قدیمی (سرتپه، فیض‌آباد، اطراف آبشوران و ...) و کوچه‌های تنگ و تاریک که حتی امکان تردد درشکه در آن نیست بر این دوگانگی می‌افزاید. این ساخت دوگانه تا ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه که در اواخر دهه ۴۰ روی داد، تداوم داشت. نکته قابل تأمل در این دوره این است که فضای انتزاعی و یکپارچه‌کننده بر سپهر اجتماعی شهر حاکم نشد و تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی همچنان باقی ماند و فضای افتراقی همچنان تعیین‌کننده بود. دلیل عمده آن این بود که شیوه زندگی مردم و معماری خانه‌ها خیلی تغییر نکرد و فضاهای سرمایه‌ای قدرت زیادی در دگرگونی شهر نداشتند.

عمل فضایی، گسترش تعاملات اجتماعی

تغییرات کالبدی در فضای اجتماعی شهر تأثیرگذار بود. خیابان ساختار شهر قدیم را تغییر داد. فضاهای کار متفاوتی شکل گرفت. برخی فضاهای فراغت از بین رفت و موارد جدیدی جایگزین آن شد. با این‌که فضاهای تجاری در سرتاسر خیابان تعبیه شد و مکانی برای به نمایش درآمدن کالاها شد اما «در این دوره مصرف همه‌گیر نیست و به امری مبادله‌ای تبدیل نشده است» (مهر، ۱۳۹۶). رفتارهای مردم در شهر تغییر شکل یافته دیگر صرفاً در میان سبزه‌زارهای خارج از شهر، گورستان‌ها، قهوه‌خانه‌ها، سبزه‌میدان و یا تکایا یا مساجد نبود، این اعمال متناسب با ساختار فضایی گذشته بودند. آن‌گونه که در بخش قبل گفته شد

ساختار فضایی شهر تغییر کرد و به دو قطب سنتی/فقیر و مدرن/غنی تبدیل شد. «ساختار فضایی صرفاً به عنوان حوزه‌ای که در آن زندگی اجتماعی آشکار می‌شود نیست بلکه به جای آن رسانه‌ای است که از طریق آن روابط اجتماعی تولید و بازتولید می‌شوند» (گرگوری و اوری، ۱۹۸۵: ۳). فضا به محض تولید حالت بازتابی دارد و از خود دلالت‌هایی دارد که بر روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و به خاطر رسانه‌ای بودن آن می‌تواند با ساختار اجتماعی ارتباط برقرار سازد. بدن و اعمال فضایی نقش مهمی در این زمینه دارند. «بدن است که در قلب گفتمان‌های قدرت و فضا قرار دارد» (بنگرید به لوفبور، ۱۹۹۱: ۸۹). تجربه زندگی روزمره در فضای اجتماعی با عمل کردن و بازنمایی فناوری‌های قدرت در و از طریق فضا تکمیل می‌شود؛ بنابراین بدن‌های زنده، بدن‌های استفاده‌کنندگان نه تنها در دام فضاهای موجود و بسته بلکه در بافت ایماژها، نشانه‌ها و نمادها گرفتار می‌شوند. به بیان دیگر هم در قیدوبند مکان‌های شهری و هم فضای ذهنی شهر قرار می‌گیرند؛ تغییرات حاصل از طراحی شهری مدرن در کرمانشاه و خلاقیت‌های زندگی روزمره که منجر به شکل‌گیری دو گفتمان سنتی و مدرن در سطح شهر بود با هم در شکل‌گیری کردارهای زندگی روزمره نقش داشتند. اینجاست که کردارهای فضایی نه صرفاً در راستای تبعیت از نظم تکنوکرات‌ها بلکه گاهی به مقاومت علیه آن می‌پردازند.

فضاها و مکان‌های جدید شکل گرفته در کرمانشاه عمل فضایی افراد را متفاوت ساخت. خیابان نه تنها مکانی برای ورود کالاهای خارجی و جایی جهت مصرف بلکه مکان پرسه‌زنی و گذران اوقات فراغت شد. فرهنگ خیابان در زندگی مردم جا گرفت. بخش‌هایی از خیابان سراسری نظیر دبیر اعظم که در کنار آبشوران و از زیبایی خاصی برخوردار بود (برخلاف جهت شمالی آبشوران که کثیف و پر از آشغال بود) جای گردش و تفریح و اوقات فراغت شد و هنوز هم این کارکرد را دارد.

«میدان کوچک شهرداری که پل اجلالیه روبروی آن است در آن روزگار پر تبوتاب سال‌های شهریور ۲۰ عصرها منظره دلپذیری داشت. جوانان شهر از هر قماش و قلم آنجا دور میدان به میله‌های ضخیم و کوتاه تکیه می‌دادند. در محیط فرح‌بخشی که از خنکای دم غروب و عطر رنگارنگ گل‌ها مایه می‌گرفت سیگار می‌کشیدند؛ به آهنگ‌های رادیو یا گرامافون گوش می‌دادند، در انتظار روزنامه‌فروش عصر که اخبار جنگی تازه می‌آورد وقت می‌گذراندند» (افغانی، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

تغییرات از بالا هرچند همراه با زور و خشونت بود اما خیابان و فضاهای عمومی به تدریج امکان با هم بودن را فراهم ساختند. سینما، هتل بیستون، کبابی‌های متعدد و حضور زنان و کودکان در خیابان از جاذبه‌های این خیابان برای پرسه‌زنان بود. سینماها مکان‌هایی بودند که عمل فضایی شهر را متفاوت از گذشته می‌ساختند. برای اولین بار تعداد زیادی

ناآشنا در مکانی واحد گرد هم می‌آمدند و چند ساعتی را در سالن ورودی سینما و یا در سالن نمایش گرد هم می‌آمدند.

«همیشه از داداش بزرگمان خواهش می‌کردیم که ما را به سینما بیره. ایشان هم دو سه ماه یک‌بار همه خانواده را می‌برد. خیلی سینما را دوست داشتیم، شخصیت‌های فیلم‌ها را دوست داشتیم. کلی خوراکی می‌بردیم و بعد از آن تا مدت‌ها راجع به فیلم حرف می‌زدیم. تو کوچه بچه‌ها از شخصیت فیلم‌ها تقلید می‌کردند» (کرمی، متولد ۱۳۱۱).

آن‌ها تجربه مشترکی را از سر می‌گذراندند و حس همبستگی اندکی با هم داشتند. اگرچه آن‌ها با هم دوست نمی‌شدند اما شانس با هم بودن و آشنایی را داشتند. تنها مکان سنتی که چنین ویژگی را داشت بازار بود. با این تفاوت که سینما تجربه جدیدی را به تماشاچیان عرضه می‌داشت؛ اما تجربه بازار تکراری بود. تماشاگران در این مکان هم گذران اوقات فراغت داشتند و هم اینکه فضای فرهنگی (فیلم) را می‌دیدند که تاکنون برایشان آشنا نبود. فرهنگ سیالی که از طریق سینما در آن مکان حضور پیدا کرده بود. «سینما رفتن به مثابه سفر بود. افراد از چند روز قبل با هم هماهنگی می‌کردند و چند ساعتی را با هم می‌گذراندند» (برگرفته از مصاحبه با آقای هندسی). بعد از تماشای فیلم در راه بازگشت و یا در محلی که رفع خستگی می‌کردند ساعت‌ها درباره شخصیت‌های فیلم با هم حرف می‌زدند. این امر به زندگی جمعی و با هم بودن کمک می‌کرد.

رستوران‌ها نیز تجربه زندگی را متفاوت ساختند. برای اولین بار به زوجین و خانواده‌ها این امکان داده شد که به دور از فضای صرفاً مردانه، زنان نیز برای صرف غذا با همسرانشان در یک مکان عمومی حضور بیابند. گرچه این تجربه برای همه یکدست نبود و فقرا و زنان مخالف کشف حجاب کمتر از این شانس برخوردار بودند اما حضور زنان در مکان عمومی برای صرف غذا ممکن شد.

فقط مکان‌های جدید حاصل از مدرنیزاسیون رضاخانی نبودند که اعمال فضایی افراد را به صورت پرسه‌زنی و سینما رفتن و یا رفتن به رستوران‌ها ساماندهی می‌کردند. مکان‌های قدیمی نظیر قهوه‌خانه‌ها، بازار قدیم و گذرها و میدانچه‌ها همچنان مؤثر و محل رفت‌وآمد افرادی بودند که در بخش سنتی زندگی می‌کردند آن‌ها فرهنگ شهر کهن را استمرار می‌بخشیدند و با حضور خود در این مکان‌ها تقابل سنت و مدرنیته را تداوم می‌بخشیدند.

مفهوم «غریبه» کم‌کم از اذهان رخت بریست و مفهوم «گمنامی» جای آن را گرفت؛ زیرا افراد دیگر در محلات محصور و نیمه‌بسته دوره قاجار نبودند. هرکسی از هرجایی از شهر می‌توانست در درون خیابان حضور یابد. این بار هزاران ناشناس در درون خیابان قرار گرفتند به‌نحوی که دیگر هیچ‌کس غریبه نبود بلکه پرسه‌زن بودند. پرسه‌زنان هم برای خرید و هم برای گشت‌وگذار و تصرف فضاها در خیابان حضور پیدا کردند.

با وجود تکه‌پارگی و ایجاد موانع در مقابل کنش‌های فضایی محله‌ها و تمایزات اجتماعی، مردم همچنان حق به تصرف آوردن بیشترین قسمت‌های شهر را داشتند. محلات دیوارکشی‌شده، محلات طردشده، فضاهای مصرف لاکچری ساخته نشد. امکان روابط اجتماعی و با هم بودن در کل شهر ممکن بود. «فضاهای شهری دارای پیوستگی بودند و در میدان‌ها و چهارراه‌ها امکان تلاقی و دیدار افراد وجود داشت» (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). شهر علیرغم تمام تغییرات هنوز یک «مکان انسان‌شناسی» بود؛ یعنی جایی که در آن رابطه، هویت و تاریخ وجود داشت.

نتیجه‌گیری

رشد و تغییرات فضا امری متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. با رونق اقتصادی و توسعه کسب‌وکار افراد زیادی جذب آن محل می‌شوند و اجتماع شهری را شکل می‌دهند. نابرابری، مداخلات توسعه‌ای، مهاجرت، روندهای سرمایه‌ای، برنامه‌های توسعه و موارد متعدد دیگری در سازمان‌دهی فضای شهری نقش دارند. برخلاف دوره قاجار که رشد شهر ناشی از تجارت و مازاد محصولات کشاورزی بود، در فاصله ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ افزایش جمعیت و توسعه شهری کرمانشاه تحت تأثیر برنامه‌ها و اقدامات دولت مانند گسترش راه‌ها و جاده‌ها، صنعتی شدن، توسعه بوروکراسی، اسکان عشایر، خدمت سربازی اجباری و خدمات عمومی در شهر بود. تمام این اقدامات در راستای جذابیت شهر به نسبت روستاهای اطراف بود؛ بنابراین جمعیت شهر حدود ۲۹ هزار نفر افزایش یافت و سبب رشد شهر در بخش جنوبی شد. سازمان‌دهی فضای شهر برخلاف دوره قاجار که طبیعی و مبتنی بر الگوی الهیاتی بود، کاملاً متفاوت و تحت تأثیر مدرنیزاسیون و مداخلات دولت قرار گرفت که در نتیجه آن‌ها عناصر جدیدی مانند خیابان، میدان، فضاهای عمومی را در کالبد شهر جای داد. این تحولات مبتنی بر نیازهای درونی نبودند بلکه نسخه‌ای تقلیدی از شهرهای اروپایی بود که تحمیلی و از بالا بر کالبد شهر اعمال شد. میزان تغییرات به اندازه‌ای بود که می‌توان این دوره از تاریخ را «انقطاع ریخت‌شناسی^۱ شهری» نامید. عناصر شهر قدیم مانند برج و بارو، دیوار، دروازه، بازار و ارگ حکومتی رها شدند و عناصری جدید جای آن را گرفتند. خیابان، بازار سنتی را به حاشیه برد و خود به مکانی برای گردش کالا و سرمایه تبدیل شد. زندگی روزمره در طول این تغییرات شرایط را برای سکونت مساعد ساخت و به خوبی با این تغییرات هماهنگ شد. افراد فضای اجتماعی شهر را که مبتنی بر تمایز ۵ محله عهد قاجار بود را تداوم بخشیدند اما آن را عنوان سنتی و فقیر یکپارچه کردن و در مقابل بخش توسعه‌یافته اخیر با عنوان مدرن و ثروتمند قرار دادند. این مهم در فضای اجتماعی شهر نمایان شد و از طریق رمان‌های مشهور این دوره به حیطه زبان و ادبیات راه یافت. با چندپارگی محلات امکان تماس اجتماعی درون محله‌ای کم شد و موانعی بر سر کنش‌های اجتماعی به وجود آمد. از طرف دیگر، به شیوه‌ای متناقض‌نما راه‌هایی برای ارتباط کل شهر

^۱ morphology

با هم فراهم آمد. خیابان و فضاهای عمومی به مکان‌هایی برای دیدار و گزینش کل شهر تبدیل شدند و شانس با هم بودن را به شکل دیگری ممکن ساختند. مداخلات فضای شهری گر چه گسترده و خصمانه بود اما عناصری مانند خیابان و فضای عمومی را اضافه کرد که همچنان امکان گرد هم آمدن را ممکن می‌ساخت و از تفرد، انزوا و بیگانگی جلوگیری می‌کرد.



منابع

- اباذری، یوسف و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱). «فضای اجتماعی شهر کرمانشاه در عهد قاجار»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۳۷-۹.
- استیونسون، دبرا (۱۳۸۸). شهرها و فرهنگ‌های شهری، ترجمه رجب پناهی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳). «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴.
- اشمید، کریستین (۱۳۹۳). «نظریه هانری لفور درباره تولید فضا: به سوی دیالکتیکی سه بعدی»، در فضا، تفاوت و زندگی روزمره، ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- افغانی، علی محمد (۱۳۴۵). شادکامان دره قره سو، تهران: امیرکبیر.
- افغانی، علی محمد (۱۳۹۰). شوهر آهو خانم، تهران: انتشارات نگاه.
- السن، استوارت (۱۳۹۳). «سیاست فضا وجود دارد، زیرا فضا سیاسی است» در درآمدی بر تولید فضای لوفور، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: تیسرا.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶: ایران و بین‌النهرین، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- ایران دوست، کیومرث و صرافی، مظفر (۱۳۸۶). «یاس و امید در سکونت‌گاه‌های غیررسمی: نمونه موردی شهر کرمانشاه»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۶.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۷). از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ (۱۳۷۷). «شهرنشینی مرحله گذار»، در شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۹۱). «اعتصاب در پلایشگاه نفت: کرمانشاه خرداد ۱۳۲۴»، گفتگو، شماره ۶۱.
- درویشیان، علی اشرف (۱۳۷۰). سال‌های ابری، تهران: اسپرک.
- دوسرتو، میشل (۱۳۸۲). «قدم زدن در شهر»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، در مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران: انتشارات تلخون.
- رابینو، یاسنت لویی (۱۳۹۱). گزارشی از بازرگان و جامعه شهر و ایالت کرمانشاه، ترجمه فریبرز همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- زهره‌وندی، سجاد (۱۳۸۶). باز زنده‌سازی بافت تاریخی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، تهران: سپها.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۰۴-۱۳۴۰)، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی یازند.
- صفامنش، کامران (۱۳۷۸). «تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۲۰»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، صص ۲۵۶.
- فوکو، میشل (۱۳۸۲). «فضا، قدرت و دانش»، ترجمه شهریار وقفی‌پور در مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران: انتشارات تلخون.
- قلی‌پور، سیاوش و همکاران (۱۳۹۳). «بازگشت طردشدگان: ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۷۷-۱۰۱.
- قلی‌پور، سیاوش و همکاران (۱۳۹۴). «گسترش نامکان‌ها و تهدید حیات شهری در کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۶۳-۸۷.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- مارشال، کاترین و راسمن، کرچمن (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۲). گزارش امکان‌سنجی طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی کرمانشاه، وزارت مسکن و شهرسازی.
- معبدی، رضا (۱۳۸۴). طراحی ساختار اصلی بافت قدیم کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- مهر، بهار (۱۳۹۶). مصرف و بیگانگی: زندگی روزمره در فضاهای مصرف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- مهندسین مشاور عرصه (۱۳۷۷). طرح ساماندهی بازار کرمانشاه، سازمان مسکن و شهرسازی استان کرمانشاه.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۷)، «بنا کردن، سکنی گزیدن، اندیشیدن» در فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
- Clarke, J. I., & Clark, B. D. (1969). *Kermanshah: an Iranian provincial city* (No. 10). University of Durham, Department of Geography.
- Urry, J. (1985). Social relations, space and time. In *Social relations and spatial structures* (pp. 20-48). Palgrave, London.
- Harvey, D. (1990). *The Condition of Postmodernity*, Cambridge, MA and Blackwell.
- Lefebvre, H (1971). *Everyday Life in the Modern World*, London, Allen Lane/The Penguin Press.
- Lefebvre, H (1976). *The Survival of Capitalism* (Allison and busby, London).
- Lefebvre, H (1991). *The Production of Space*, Oxford, Blackwell.
- Lefebvre, H (2000). *Writings on Cities*, Oxford, Blackwell
- Lefebvre, H. (2003). *The urban revolution*. U of Minnesota Press.
- Lefebvre, H. (2009). *State, space, world: Selected essays*. U of Minnesota Press.
- Massey, D. (1994). Space, place, and gender University of Minnesota Press. *Minneapolis MN*.
- Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvre: A critical introduction*. Routledge..
- Zieleniec, A. J. (2007). *Space and social theory*. Sage.